

امنیت غذایی و خودکفایی، با نگاهی به وضعیت کشورهای جنوب آسیا

نویسنده: روحان ساماراجیوا .

مترجم: حمیدرضا زرنegar

واکنش به همه گیری کووید ۱۹ و خسارت های ناشی از آن موجب شده که زنجیره های تامین و عرضه مواد غذایی خواستار بازبینی سیستم های کشاورزی شوند. زنجیره های تامین و عرضه مواد غذایی از ابعاد محلی و بین المللی یا مختل شده اند و یا در هم شکسته اند. در این شرایط فکر کردن به امنیت غذایی هم طبیعی است و هم ضروری؛ اما مهم آن است که هوشمندانه و بر اساس شواهد کسب اطلاعات کنیم و بیاندیشیم. تمام رتبه بندی ها و شاخص ها، هم در داده هایی که اساس رتبه بندی ها و شاخص ها را شکل می دهند و هم در طرح اولیه خود نقایصی دارند. با این حال آن ها نقطه شروع مناسبی را برای مباحث مبتنی بر شواهد فراهم می سازند. شاخص امنیت غذایی جهانی سه جزء دارد :

-توان مالی .

-موجود بودن.

-کیفیت و سلامت.

در سال ۲۰۱۹ یک جزء دیگر تحت عنوان منابع طبیعی و تاب آوری (در مفهوم مقاومت در عین انعطاف پذیری) به عناصر این شاخص افزوده گردید.

این موضوع که سنگاپور، دولت شهری با پنج میلیون نفر جمعیت، بدون دسترسی به زمین های زراعی و نداشتن تولیدات گیاهی محلی در خصوص ویژگی های شاخص های امنیت غذایی در رتبه اول جای گرفته بیانگر آن است که شاخص موجود بر مبنای رهیافتی فراتر از برداشت عمومی است. زمانی که عنصر منابع طبیعی و تاب آوری در شاخص محاسبه می گردد سنگاپور یازده رتبه فرو می افتد. سنگاپور از نقطه نظر افزایش سطح آب دریا، تغذیه گرایی منابع اقیانوسی

(Ocean Eutrophication)

و وابستگی به واردات آسیب پذیر است. با این وجود سنگاپور حتی در رتبه یازدهم نیز بهتر از تمامی کشورهای جنوب آسیاست .

من در مدت بیش از بیست سال زیرساخت های حیاتی را مطالعه می کردم. الحاق سریلانکا به کنوانسیون تامپر (در مورد تأمین منابع ارتباطات از راه دور برای کاهش سوانح و امداد و نجات) و آماده شدن برای معضل رایانه ای هزاره (۲۰۰۰) از انگیزه های اولیه کار ما بود. ما برای بیش از یک دهه سرگرم مطالعه بر روی زنجیره های تامین بودیم .

تعامل میان تاب آوری و هزینه

همیشه میان تاب آوری و هزینه تعاملاتی وجود دارد. در صورتی که برای هزینه نگرانی نباشد می توان به پشتوانه کامل امکانات اضافی تاب آوری و مقاومتی غیر عادی از خود نشان داد .

بعضی اوقات مخاطرات بسیار بالاست و محیط نیز بسیار مخاطره آمیز است، در چنین شرایطی فرد باید دارای عوامل کمکی متعددی باشد. به عنوان مثال در بدترین روزهای جنگ داخلی سریلانکا زمانی که "جنبش آزادی ببرهای تاملیل" به شهر کلمبو حمله می کرد و مهندسان شرکت برق سیلان مثل آب خوردن اعتصاب می کردند به من در مورد باطری پشتیبان برای ایستگاه های پایه موبایل که بیش تر توسط ژنراتورهای دیزلی پشتیبانی می شدند توضیحاتی داده شد؛ اگرچه این باطری ها به طور کلی هزینه بر بودند. امنیت غذایی هم همین گونه است. ممکن است کسی عقیده داشته باشد که اتکا به سیب زمینی های تولید داخل ریسک های تولید را کاهش می دهد؛ با وجود آن که هزینه تولید سیب زمینی محلی به میزان قابل توجهی بالاتر از سیب زمینی های وارداتی است .

در حالی که تولید کنندگان داخلی به ضرب تعرفه های کالایی ویژه بر سیب زمینی وارداتی همچنان سر پا ایستاده اند. این بدان معناست که مصرف کنندگان محلی بیش تر برای تولید سیب زمینی نا مرغوب محلی پول می پردازند و همزمان به طور غیر مستقیم نیز به دولت مالیات می دهند تا سیب زمینی مصرفی آنان را وارد کند .

عوارض گمرکی حمایتی افزوده می شود و باعث گران تر شدن مواد غذایی برای همگان می گردد. در نتیجه، هزینه نیروی کار در سریلانکا فزونی می گیرد. بنابراین، بسیاری از صنایع که باید در سطح جهانی رقابت کنند به دلیل هزینه های بالای نیروی کار لنگ می زنند. کمک به تولید کنندگان ناکارآمد داخلی لزوماً خطر را کاهش نمی دهد .

کشاورزی ذاتاً مخاطره آمیز است. سیل، خشکسالی، حشرات و بیماری ها می توانند محصولات زراعی را از بین ببرند. در واقع زنجیره های انعطاف پذیر و مقاوم تأمین و عرضه به منطقه یا حتی کشوری واحد متکی نیستند. نمی توان به طور کامل وابسته بود. کشور ویتنام نشان داد که در ارتباط با کل برنج مورد نیاز خود، خودکفایی نمی تواند ایده خوبی برای هدفگذاری یک سیاست کامل باشد. ویتنام در برابر همه گیری کووید ۱۹ و اختلالات در زنجیره های عرضه جهانی محدودیت هایی را بر صادرات برنج تحمیل نمود که می تواند دلیل مشروعی بر نگرانی مشتریان خارجی باشد. از دیگر سوی همان گونه که در سال زراعی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ دیده شد اتکای کلی به تولید محلی نیز مخاطره آمیز است؛ زیرا

خشکسالی تولید برنج را در ویتنام از دو میلیون و ۹۰۳ هزار تن در سال زراعی ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به یک میلیون و ۴۷۴ هزار تن در سال زراعی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ کاهش داد. بنابراین پاسخ واقعی برای امنیت غذایی، نه صرفاً تقلای ساده برای خودکفایی، بلکه متعادل سازی هزینه و مدیریت ریسک از طریق منابع متنوع و اطمینان از زنجیره های عرضه قوی است.

ممانعت از ظهور انحصارهایی که نقاط حساس را کنترل می کنند بخشی از پاسخ است. این همان تعاملات پیچیده و تعادل هایی است که شاخص جهانی امنیت غذایی از طریق ترکیب ۳۴ نماگر (Indicator) وزن گذاری شده متفاوت سعی در دستیابی به آن را دارد .

سريلانكا در سال ۲۰۱۹ از حيث شاخص امنیت غذایی در میان ۱۱۳ کشور جهان حائز رتبه شصت و ششم گردید. این کشور در خصوص استانداردهای تغذیه، تغییر در میانگین هزینه های خورد و خوراک، معیار جهانی نسبت جمعیت زیر خط فقر، ایمنی مواد غذایی، ضایعات مواد غذایی، ظرفیت جذب شهری، نوسانات تولید محصولات کشاورزی و دسترسی کشاورزان به منابع مالی امتیاز بالایی کسب نمود. با این حال امتیاز کشور به واسطه عواملی همچون هزینه های عمومی در تحقیق و توسعه کشاورزی، تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید، کیفیت پروتئین و ثبات سیاسی افت کرده است بزرگترین افت بین سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بود. نمره کلی سريلانكا کمی پایین تر از حد متوسط و کیفیت و ایمنی کاملاً پایین بود. این کشور در آسیای جنوبی از برخی همتایان بالاتر است؛ در عوض پشت سر کشورهای نظیر اندونزی و فیلیپین در جنوب شرقی آسیا است. هندوستان در رده هفتاد و دوم، پاکستان در رده هفتاد و هشتم و نپال در مرتبه هفتاد و نهم و شاید پایین تر قرار دارد. بنابراین وضعیت سريلانكا در امنیت غذایی چندان بد نیست؛ اما می توانست بسیار بهتر از این باشد. در صورتی که نشانگر منابع طبیعی و تاب آوری به این ترکیب اضافه شود، سريلانكا با یک رتبه کاهش به مکان شصت و هفتم منتقل نزول می کند. تأثیر عوامل مرتبط با تاب آوری در برخی کشورها بیش تر است. به عنوان مثال استرالیا و نیوزلند نوسانات گسترده ای را نشان می دهند. استرالیا که از نظر شاخص پایه دوازدهم است؛ هنگامی که منابع طبیعی و تاب آوری در آن لحاظ می شوند به مرتبه شانزدهم فرو می افتد. در همان حال نیوزیلند با ارتقای پنج مرتبه و رسیدن به رتبه چهاردهم بر استرالیا پیشی می گیرد.

تاب آوری، نشانگری که به هزینه حساس است .

واکنش به همه گیری کووید ۱۹ و خسارت ناشی از آن به دعوتی از سوی زنجیره تامین برای آزمون مجدد کلیت نظام کشاورزی منجر گردیده است. شکنندگی سیستم فعلی کشاورزی کاملاً عیان گشته؛ اما واکنش به وضعیت فعلی باید با تیز بینی و بر اساس بررسی هوشمندانه شواهد صورت گیرد و به ضرورت در نظر گرفتن ارزش پولی مواد غذایی توجه نماید .

عقب نشینی ساده از شعارهایی مانند خود کفایی، کافی نخواهد بود. سری لانکا از دهه ۱۹۷۰ در خصوص این سیاست ها تجربه اندوخته است. این سیاست ها بازارهای سیاه را برای پولدارها و سوء تغذیه را برای فقرا گسترش دادند. آن چه که در زمانی بسیار ساده در گذشته اجرا گردید نمی تواند در اقتصاد پیچیده امروز که ترجیحات مشتری با نظام سهمیه بندی خشنود نمی گردد عملی شود .

(منبع: نشریه اینترنتی Daily FT

۱۲ می ۲۰۲۰)